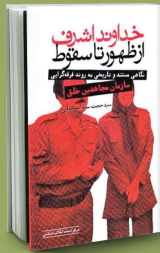


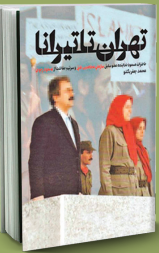
**کتاب** خدایوند اشرف از ظهور تا سقوط

فرقه‌گرایی یکی از عمیق‌ترین ویژگی‌هایی است که در تمام پیکره و ساختار سازمان مجاهدین خلق جزایان دارد. حجت سیداسماعیلی نویسنده کتاب «خدایوند اشرف از ظهور تا سقوط» که خود ازجمله جدانشدگان از منافقین است با اطلاعاتی دقیق و بررسی‌های موشکافانه و با نگاهی مستند و تاریخی به روند فرقه‌گرایی سازمان مجاهدین خلق پرداخته است. مطالعه سازمان از این نظر به اندازه‌ای حائز اهمیت است که نویسنده در ابتدای کتاب درباره خسارت‌های فرقه رجوی می‌نویسد: «واقعیت این است که سازمان مجاهدین، منحصربفردترین فرقه سیاسی- مذهبی یک هزار سال گذشته ایران است که توانسته بیشترین ضایعات انسانی را در ایام یک فاجعه بر جامعه ما تحمیل کند.»



**کتاب** تهران تا تیرانا

این کتاب خاطرات مسعود خدایبند، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق و سررتیم حفاظت مسعود رجوی است. او با نام مستعار «رسول» در سازمان مجاهدین خلق فعالیت می‌کرد. در تابستان ۲۶۰۱ مسئول مستقیم انتقال حمدرضا کلاهی و مسعود کشمیری(عاملین انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری) بود. اطلاعات او از پیشینه سازمان، روابط تشکیلاتی، طرح‌های عملیاتی گوناگون، کمپ اشرف، منابع مالی سازمان مجاهدین خلق و پشت پرده روابط مسعود رجوی با افراد و گروه‌های مختلف، خواندنی و جالب است. به باور خدایبند که در سال ۲۷۵۱ از سازمان جدا شد، سنوات حضورش در فرقه رجوی، سیاه‌ترین سال‌های عمرش بوده است.



**کتاب** فصل بی‌هراسی

«فصل بی‌هراسی» درباره جوانی به‌نام ولی است که از کارهای انقلابی فراری است و به‌شدت از این فضا می‌ترسد، ولی ناخواسته بنا بر وصیت یکی از دوستانش پایش وسط گروه‌های مختلف مبارز باز می‌شود. در میان فضای مه‌آلود سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، گروه‌های مبارزی سسر برآورده بودند که هر کدام ادعای سردمداری مبارزه با رژیم پهلوی را داشته‌اند. گروه‌هایی با عقاید متفاوت اتقدر زیاد بودند و ادعاهایشان را با قرآن و روایات تزئین کرده بودند که معلوم نبود کدامیک دل‌سوز واقعی مردم و کدامیک فقط به‌خاطر تخلیه شسور و هیجان جوانی‌شان دست به اسلحه برده و می‌کشتند و کشته می‌شدند.



**کتاب** از مجاهدین تا منافقین

«از مجاهدین تا منافقین» عنوان کتابی است که سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق را از زمینه‌های تأسیس، ضریات سازمان، علل انحراف و... تا رویارویی آنها با جمهوری اسلامی و کمک به صدام در جنگ تحمیلی و در نهایت پناه بردن آنها به دامن غرب را بررسی می‌کند. مهدی حق‌بین، نویسنده کتاب بر آن است تا فعل و انفعالات سازمان مجاهدین خلق را از جهت درونی و بیرونی بررسی کرده و مبارزات آن با نظام و مردم ایران و زمینه‌های واگرایی و انحرافات بی‌در پی منافقین را بررسی کند. این کتاب توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی در ۷۲صفحه وارد بازار نشر شده است.



**هم‌شماره‌ی چاپ‌دار**

**شکست بی سابقه**

**لشکر سایبری منافقین**

محسن نامور، کارشناس فرهنگی



گروهک تروریستی منافقین فکرس را هم نمی‌کرد دیوار امنی که دور خود چیده بود تا با خیالی راحت به فعالیت‌های شرورانه‌اش در کشور آلبانی ادامه دهد یکباره فرو بریزد و چهره واقعی آنها برای مدافعانشان بر ملا شود.

منافقین رانده شده از عراق اقدامات خصمانه خود را با عملیات سایبری در آلبانی دنبال می‌کردند و جوانان ایران را مورد هدف قرار داده بودند. کاملاً مشخص بود که پشت پرده اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ منافقین قرار داشتند. انتشار اخبار جعلی و ارائه آمارهای بدون منبع از کشته‌شدگان یا دستگیرشدگان از جمله اهداف این گروه‌های سایبری بود و متأسفانه در داخل ایران هم گروهی فریب دروغ‌هایی را می‌خوردند که در اینستاگرام، توئیتر، تلگرام و... منتشر می‌شد؛ اخباری که بدون ارائه سند و مدرک ارائه می‌شد و به شکل عجیبی سازماندهی می‌شد به‌طوری که این دروغ‌های مجازی برای برخی که اطلاعات رسانه‌ای نداشتند به‌عنوان منابع خبری مورد استفاده قرار می‌گرفت. البته برای بسیاری از ایرانیان که دهه ۶۰ را به یاد داشتند وارونه جلوه دادن حقایق سیاسی و اجتماعی توسط منافقین اتفاق نادری نبود، اما در این دوره آنها شکل فعالیت‌های خود را تغییر داده بودند.

فریب جوانان یا نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی و سوءاستفاده از آنها برای انجام اقداماتی نظیر دیوار نویسی، ضبط و بدشو از تجمع چند نفره، شعارنویسی روی پل و اماکن عمومی و گرفتن تصویر و ارسال به شبکه‌های معاند از اقدامات پلید منافقین برای رسیدن به اهدافشان بود. این تصاویر از طریق شبکه سایبری که در آلبانی تشکیل داده بودند به طرز اغراق آمیزی در شبکه‌های فضای مجازی منتشر می‌شد.

حال که قدرت ترور و کشتن افراد بی‌گناه به‌طور مستقیم در ایران از دست‌شان گرفته شده بود تلاش خود را در فضای مجازی متمرکز کرده بودند و به‌دنبال القای حس ناامیدی و ناتوانی به جامعه و به‌خصوص جوانان بودند.

گروهکی که به‌دلیل جایگاه منفورشان در ایران خود به تنهایی توان طراحی صحنه و ناآرامی را نداشت، در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ از طریق فضای سایبری وارد عمل شده بود، اما این بار هم همچون دهه ۶۰ هویت جعلی آنها بر ملا شد و ریسوایی آنها در کشور آلبانی به گوش فریب‌خوردگان داخلی و حامیان خارجی آنها رسید. ماموریت مهم منافقین در شبکه‌های اجتماعی از بین بردن امنیت روانی جامعه و فریب جوانان بود، اما این بار هم همچون گذشته، برنده بازی کثیفی که منافقین راه انداخته بودند، مردم و جوانان غیور ایران بودند که خیلی زود به ماهیت پوشالی این گروه تروریستی پی‌بردند و منتقدان به‌نظام صف‌خود را از دشمنان قسم‌خورده این آب و خاک جدا کردند.

محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با همشهری مطرح کرد

**پمپاژ ناامیدی  
مأموریتی ویژه برای تروریست‌های دیروز**

**الناز عباسیان / روزنامه‌نگار**  
چهره گروه مجاهدین خلق (منافقین) از همان ابتدای پیروزی انقلاب و دهه ۶۰ بر همگان مشخص شد و عملیات‌های تروریستی و اقدامات مسلحانه این گروه بر کسی پوشیده نیست. حتی تلاش این گروه در سال‌های دفاع مقدس برای همکاری با صدام حسین هم غیر قابل انکار است. اما این گروه در سال‌های اخیر سعی دارد با پوست‌اندازی جدید، جذب نیرو و اقدامات رازروشی مدرن در تشکیل ارتش‌های سایبری در فضای مجازی این بار سراغ نسل‌های جدید و جوانان آمدند تا برای مسیر خودشان همراهان جدید پیدا کنند. محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه تهران یکی از افرادی است که سال‌ها پیرامون فعالیت‌های گروه مجاهدین خلق (منافقین) مطالعه کرده است. سراغ او رفتیم تا از بادها و نیاید‌های این موضوع بیشتر جویا شویم.

برای سؤال نخست اجازه دهید از آغاز فعالیت‌های این گروه بسؤال کنیم، رسماً از کی در فضای مجازی کارشان را آغاز کردند و دست به جذب مخاطب زدند؟  
سازمان مجاهدین خلق در مقطعی که فضای مجازی تبدیل به یک پدیده روز شد و اینترنت در دسترس عموم مردم قرار گرفت فعالیت خود در فضای مجازی را گسترش داد و از اینترنت به‌عنوان رسانه و جذب مخاطب استفاده کرد. در دهه ۸۰ چون هم محتوای برنامه‌هایشان جذاب نبوده و هم جامعه‌ا ماهیت و عملکرد این سازمان اطلاعات خوبی داشت موفق نبودند. اما کم‌کم از اواخر دهه ۸۰ و دهه ۹۰ روش دیگری را برای جذب مخاطب و نیرو دست گرفتند؛ برای نمونه ارسال ایمیل به افراد مختلف جامعه از جمله دانشجویان.

آیا این جذب‌ها فقط برای بحث‌های ایدئولوژی و شست‌وشوی مغزی بوده یا اهداف دیگری هم داشتند؟  
بالطبع ابتدا با شست‌وشوی مغزی آغاز شده و بعدها به انجام اقدامات خرابکارانه در ایران ختم می‌شد. تا جایی ذهن این افراد را شست‌وشوی مغزی می‌دادند که یک دانشجوی آموزش‌های ایدئولوژی و شست‌وشوی مغزی می‌دادند که به‌دلیل جایگاه منفورشان در ایران خود را در فضای مجازی متمرکز کرده بودند و به‌دنبال القای حس ناامیدی و ناتوانی به جامعه و به‌خصوص جوانان بودند.

گروهکی که به‌دلیل جایگاه منفورشان در ایران خود را نداشت، در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ از طریق فضای سایبری وارد عمل شده بود، اما این بار هم همچون دهه ۶۰ هویت جعلی آنها بر ملا شد و ریسوایی آنها در کشور آلبانی به گوش فریب‌خوردگان داخلی و حامیان خارجی آنها رسید. ماموریت مهم منافقین در شبکه‌های اجتماعی از بین بردن امنیت روانی جامعه و فریب جوانان بود، اما این بار هم همچون گذشته، برنده بازی کثیفی که منافقین راه انداخته بودند، مردم و جوانان غیور ایران بودند که خیلی زود به ماهیت پوشالی این گروه تروریستی پی‌بردند و منتقدان به‌نظام صف‌خود را از دشمنان قسم‌خورده این آب و خاک جدا کردند.

زده و در محل تجمع مردم عادی و بی‌گناه قرار دهد. مصداقی بخواهیم صحبت کنیم یک پسر دانشجو داشتیم که تحت صحبت‌ها و فریب یک مسئول سازمانی خانم که مرتب به او ایمیل می‌داد، به نوعی به عضویت سازمان در حالت مجازی درمی‌آید. آموزش ساختن بمب دست‌ساز به او داده می‌شود. این فرد قرار می‌شود بمبی که خودش ساخته را در یک منطقه مسکونی کار بگذارد و خوشبختانه قبل از اینکه این بمب عمل کند این فرد دستگیر می‌شود. این یک نمونه بود از این صدها نمونه فریب دانشجویان و جوانان این مملکت.

**چطور اتقدر راحت با جوان‌ها ارتباط می‌گیرند؟**  
بالطبع با گسترش فضای مجازی و همگانی شدن آن در بستر تلفن‌های همراه، عملکرد منافقین خیلی گسترده‌تر و عمیق‌تر شد. لایه اول این بود که در یک مقطع افراد سازمان از عراق به اروپا کوچ کرده و با اسامی مختلف گروه‌های حقوق بشری یا گروه‌های مبارزه با جمهوری اسلامی، برنامه‌های مختلفی را در فضای مجازی در بستر تلفن همراه عمدتاً اینستاگرام و تلگرام اجرا کردند. شروع به معرفی خودشان کرده و سعی می‌کردند روایت غیرواقعی از سازمان و تاریخچه آن ارائه بدهند.

محور این روایت مظلومیت بود. اینها سازمان را تشکیلات دموکراتیکی معرفی می‌کردند که آزادی‌خواه است و جمهوری اسلامی دهها هزار نفر از اعضای سازمان را کشته و قتل عام کرده است. طوری القا می‌کردند که الان بهترین جایگزین جمهوری اسلامی همین سازمان است.

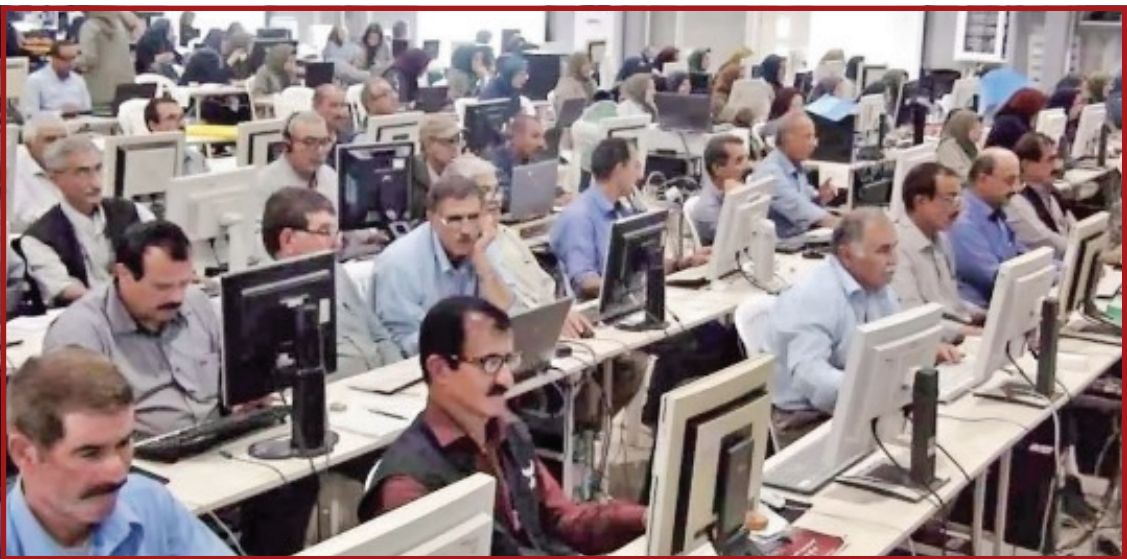
**در سال‌های اخیر هم موارد جذب داشتیم؟**  
بله متأسفانه، مواردی از جذب دانشجویهای دانشگاه‌های مشهور مثل دانشگاه شریف داشتیم که از طریق همین فضای مجازی و تلفن‌های همراه جذب شدند و عملاً بازوهای تروریستی سازمان در نقطه پرتردد شهر تهران می‌گشادند. یک لایه دیگر هم برای مخاطب عام داشتیم که در ناآرامی‌های سال‌های ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ دیدید. این افراد عملاً دادن فراخوان‌ها، تبلیغ، هجوم خشونت‌آمیز، تبلیغ درگیری با مأموران، تبلیغ ساخت وسایل درگیری و بمب‌های دست‌ساز، ابزارهای اعمال خشونت علیه شهروندان و مأمورین را انجام می‌دادند.

**اغلب چه کسانی جذب می‌شوند؟**  
افرادی جذب سازمان می‌شوند که نواقص شخصیتی داشته و به دلایلی زد‌و‌گی از جامعه‌درد برود و مخاطب خبلی عامی داشت، فعالیت‌های تبلیغی سازمان بدون اسم سازمان مجاهدین بود. سازمان مجاهدین خلق

ممکن است که افراد معمولی هم جذب شوند ولی عموماً افراد دارای مشکل شخصی یا خانوادگی جذب می‌شوند. در یک کشور ۸۰ میلیون مثلاً ۴۰ نفر زیاد نیست اما اینقدر تخریب پیدا می‌کنند. مثلاً اگر خدای نکرده در محل شلوغ و پرتردد شهر می‌گذاری کنند چه تعداد انسان بی‌گناه قربانی خواهند شد؟ پس باید حتی مقابل تعداد کم‌شان هم ایستاد. روند سازمان این است که نوجوان‌ها و جوان‌های عادی را جذب کند.

**یعنی با وجود این افشاک‌ی‌ها هنوز هم افراد جذب می‌شوند؟ چرا قطع همکاری نمی‌کنند؟**  
سازمان کماکان این رویه را دارد و افراد را جذب می‌کند. افرادی هم که قبلاً به دام سازمان افتادند اگر نخواهند با سازمان کار کنند و بصره رایگان سازمان باشند، آن وقت سازمان تهدید می‌کند که اگر همکاری نکنید شمارا به جمهوری اسلامی می‌دهیم و واقعا داد. عملاً تبدیل شده‌اند به یک روایتی که سازمان به آنها دستور می‌دهد و مجبورند انجام دهند و اگر انجام می‌دهند مواخذه می‌شوند. مسئول‌شان سرشان فریاد می‌کشد و اهانت و تهدید می‌کند. به برخی از این افراد بعد از مدتی ماموریت‌های نظامی و تروریستی هم سپرده شد. فردی می‌گفت اول آموزش ساخت بمب به ما دادند. بعد که بمب ساخته شد به ما گفتند که از این نقطه پرتردد شهر تهران می‌گذاری کنید. واقعا امداد الهی بود که این بمب در لحظاتی قبل از انفجار در یک ایستگاه اتوبوس خنثی شد و هدف شوم آنها به نتیجه نرسید.

**در اغتشاشات سال گذشته شاهد این اقدامات خرابکارانه سازمان به نام مردم عادی بودیم. در این زمینه بیشتر توضیح می‌دهید؟**  
بله؛ شعار نویسی، فعالیت خشونت‌آمیز، تهیه بوستر و تراکت و امثالهم برای سران سازمان به‌ویژه در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ را شاهد بودیم. البته فعالیت‌های تبلیغ درگیری بود و مخاطب خبلی عامی داشت، فعالیت‌های تبلیغی سازمان بدون اسم سازمان مجاهدین بود. سازمان مجاهدین خلق



در بین نسل جدید شناخته‌شده نیست، متولدین دهه‌های ۷۰ و ۹۰ اطلاعاتی در مورد این سازمان ندارند. سازمان خودش را قربانی خشونت معرفی می‌کند. یک لایه هم فعال‌ترین و فرآگیرترین لایه فعالیت سازمان در اینستاگرام، توئیتر و تلگرام بود که اقدام به تولید و انتشار محتوای مختلف سیاسی و اجتماعی و امنیتی در قالب تصاویر و کلیپ‌های طنز اما با محتوای مخالف نظام می‌کنند. مخاطب اصلاً متوجه نیست که پیام‌هایی را می‌بیند و یا خودش منتشر می‌کند که در تیرانا پایتخت آلبانی که پایگاه منافقین است تولید شده است؛ طنز‌ها، کلیپ، موسیقی و مطالبی که ناامیدی از ایران و جامعه ایرانی را گسترش می‌دهد. بیننده وقتی اینها را می‌بیند فکر می‌کند که بدبخت‌ترین فرد در ویرانه‌ترین جای جهان است. سیاهی مطلق است و هیچ امیدی به بهبود هم نیست و باید جمهوری اسلامی را براندازی کند.

**این مطالب که اشاره کردید محتوای سیاسی و ضدنظام دارند؟**  
نه مستقیماً؛ محتوای تحقیر ایرانی که در قالب طنز منتشر می‌شود و بدون اشاره مستقیم سیاسی القا می‌کند که ایرانی‌ها در کلاهبرداری و دغل بازی استادند، اهل کار درست نیستند و همه کارهایشان نقص دارد. اینها ظاهری طنز دارند و شما که بافت می‌کنی برای ۱۰ تا دوستان هم می‌فرستی. همه اینها دنبال این می‌باشند که این فکر را القا کنند که ایرانی توانایی انجام کار درست را ندارند. در قسمت اول سعی می‌کنند آدم را ناامید کنند و اگر کسانی بودند که ناامید نمی‌شدند و فعالیت می‌کردند سعی می‌کردند آنها را مسخره کنند. برای مثال مسخره کردن ساخت جگنده ایرانی در فضای مجازی.

**مرحله بعد ایجاد نفرت بین جامعه ایرانی بود. اینکه مخاطب به این نتیجه برسد که ظالم‌ترین حکومت دنیا، جمهوری اسلامی است و از آن فاسدتر پیدا نمی‌شود. حس نفرت نسبت به دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی از اقداماتی است که انجام می‌شد و متأسفانه در حال حاضر هم انجام می‌شود. نمونه دوم که تشویق عمومی افراد به خشونت**

است مربوط به زمان‌هایی است که ما در کشور شاهد آشوب و ناآرامی هستیم. سال‌های ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ ولی مخرب‌ترین نمونه همان نوع سوم است که موج گسترده یاس و ناامیدی و خودتجذیری مخصوصاً برای نوجوان‌ها و جوان‌ها که روزانه چندین ساعت در فضای مجازی می‌سهلند را ایجاد می‌کند. بین این نسل جدید بهشت‌بودن اروپا و براندازی جمهوری اسلامی را ترویج می‌دهند. هیچ مارک سیاسی هم ندارد. جالب اینکه افرادی که حتی ممکن است موافق نظام هم باشند مخاطب این پیام‌ها قرار می‌گیرند.

**صحت‌های شما اینطور متوجه شدید که این نمونه سوم قرار نیست عضو سازمان بشوند و یا فعالیتی کنند؛ فقط فریب خورده و ناامید می‌شوند؟**  
دقیقاً. اول مرحله برای کسانی است که نمی‌خواهند جذب سازمان شوند و اصلاً سیاسی نیستند. این افراد قرار است ایران را بدترین و سیاه‌ترین جای جهان بدانند. تفکرات‌شان را عوض کنند. این گروه سوم، بیشترین آسیب را می‌بینند. بسیار عمیق شکست‌خورده سقوط کرد. بخشی از بوچی افکار و اندیشه‌ها و همچنین اعمال و کردار غیرانسانی منافقین در قالب کامنت‌های خصمانه اعضای این گروه در فضای مجازی قابل رویت بود که از لایه‌ه عبکوتی خود در اردوگامی در آلبانی بی‌وقفه انتشار می‌دادند.

**روایت**

حمله پلیس آلبانی به مقرر منافقین باعث کاهش چشمگیر آمار کامنت‌ها و لایک‌ها در برخی صفحه‌های فضای مجازی شد

**فروپاشی لشکر سایبری آهریمن**

علی‌الله سلیمی  
روزنامه‌نگار

خردامه‌ا امسال اتفاق مهم و غیرمنتظره‌ای در کمپ منافقین در آلبانی افتاد و با حمله پلیس آلبانی به مقرر منافقین، فصلی تازه و طبعاً تاریک و نامعلوم در ادامه حیات این گروهک تروریستی رقم خورد. حمله پلیس آلبانی به مقرر سازمان مجاهدین در این منابع پس از آن صورت گرفت که به گزارش منابع محلی، مسئولان اردوگاه اشرف با درخواست اولیه مأموران امنیتی برای ورود و بازرسی از این مقرر مخالفت کرده بودند.

در پی این مخالفت، حدود یک هزار مأمور پلیس آلبانیایی از واحد دادستانی ویژه مبارزه با فساد و جرائم سازمان یاقب به اردوگاه‌های اشرف ۳ و ۴ واقع در غرب آلبانی که محل استقرار دست‌کم ۳ هزار عضو سازمان مجاهدین خلق است، حمله کردند. در کنار همه پیامدهای این اتفاق که هر کدام، جای تأمل و تفسیرهای دقیق و کارشناسانه دارد، یکی از پیامدهای این اتفاق، کاهش چشمگیر کامنت‌ها در فضای مجازی بود.

اتفاقی که در اردوگاه‌های منافقین در آلبانی رخ داد، بی‌گمان یکی از حوادث مهم و اثرگذار برای کامنت‌گذاران شبکه‌های معاند بوده؛ چرا که در آن روز اتفاق غیرمنتظره‌ای برای ساکنان اردوگاه‌های اشرف ۳ و ۴ در آلبانی افتاد که در کنار همه پیامدهای ناگوار برای آن گروه تروریستی، طشت رسوایی آنها در فضای مجازی هم از بام افتاد و کامنت‌هایشان هم با این لشکر شکست‌خورده سقوط کرد. بخشی از بوچی افکار و اندیشه‌ها و همچنین اعمال و کردار غیرانسانی منافقین در قالب کامنت‌های خصمانه اعضای این گروه در فضای مجازی قابل رویت بود که از لایه‌ه عبکوتی خود در اردوگامی در آلبانی بی‌وقفه انتشار می‌دادند.

**از دسترس خارج شدن حساب‌های توئیتری مشهور**

منافقین در وارونه جلوه‌دادن حقایق سیاسی و اجتماعی به‌طولایی دارند و بدون شک در جریان اتفاق اخیر هم بدشان نمی‌آمد که از آب، کره بگیرند و داستان‌های خیالی و سودمند برای خودشان خلق کنند و به آن گروه از خلق‌الله بی‌خبر از اصل وقایع، تفسیر و قرأت خاص خودشان از اتفاق اخیر را تحویل بدهند.